



کبرا بابایی

کارشناس شعر و قصه کانون پرورش کودکان

قصه‌ها از کجا می آیند؟

کلیدواژه‌ها: قصه، قصه‌گویی، شعر، کودکان

کم‌تر کرد، قصه‌درازی دارد. در این میانه، پیشرفت فناوری تا چه میزان تأثیرگذار بوده و رسانه‌ها چه نقشی داشته‌اند، بماند...! اینک شهرنشینی چگونه مناسبات آدم‌ها را تغییر داد و همه‌چیز را دگرگون کرد هم حرف تازه‌ای نیست.

به هر حال قصه‌گویی در دوره‌ای تقریباً به هنری فراموش شده بدل شد که دیگر کمتر کسی میل و رغبتی به آن نشان می‌داد و بیشتر نسلی خوش‌ذوق از افراد کهنسال بودند که گاهی گوشمان را با قصه‌ها پیوند می‌زدند. البته در این میان، نباید نقش استادان و دل‌سوزان واقعی این هنر اصیل را در احیای آن نادیده گرفت.

این روزها حال هنر قصه‌گویی بهتر شده است. مردم دارند ضرورت توجه به این هنر ارزشمند را درمی‌یابند و نقش آن را به‌عنوان پلی محکم برای تقویت ارتباط بین نسل‌ها کشف می‌کنند. ادبیات کودک جایگاه مهمی یافته و قصه‌گویی دیگر تنها وسیله‌ای برای ساکت نگه‌داشتن و خواب کردن بچه‌ها و رفع تکلیف نیست. گاهی با پیام می‌آید... گاهی برای پرورش تخیل... گاهی به فکر وامی‌دارد و گاهی سؤال‌های تازه‌ای را در ذهن می‌آفریند. حالا مادرها به کلاس قصه‌گویی می‌روند. شیوه‌های قصه‌گویی را می‌آموزند و به دنبال خلاقیت هستند. مربیان کودک تنها برای گذراندن کلاس به سراغ قصه نمی‌روند و قصه‌ها را با دقت و وسواس انتخاب می‌کنند. حتی جشنواره‌های قصه‌گویی هم توسط

تازه می‌کرد و گاه هم آدم‌های توی مجلس محو همان اتفاقات تکراری می‌شدند که هر شب منتظر شنیدنش بودند.

قصه‌گوها نه کلاس‌های تئوری قصه‌گویی را گذرانده بودند و نه تاریخچه این هنر را می‌دانستند. خیلی از آن‌ها حتی سواد خواندن هم نداشتند. اما در همین مجالس شب‌نشینی پای صحبت قصه‌گوهای نشسته بودند که دنیایی از هنر را در سینه داشتند. توی همین چرخش‌ها و گردش‌ها بود که قصه‌ها سینه به سینه نقل می‌شد. بچه‌ها کم‌کم بزرگ می‌شدند و خودشان این پرچم را به دوش می‌گرفتند. آن‌ها جای پدر و مادرها و پدربزرگ و مادربزرگ‌ها را می‌گرفتند. و قصه‌گوی نسل‌های بعد می‌شدند. همین‌گونه بود که ادبیات شفاهی زنده می‌ماند و رشد می‌کرد و می‌بالید.

مردم از دغدغه‌هایشان می‌گفتند؛ از دردها و غم‌ها و شادی‌هایشان. از خطرهای و مشکلاتی که هر روز با آن‌ها روبه‌رو می‌شدند. به همین دلیل، ادبیات شفاهی هر قوم مختصاتی از اخلاق و ویژگی‌ها و آداب و رسوم‌شان را ترسیم می‌کند.

بسیاری از قصه‌ها تنها مخاطب کودک نداشت و برای همه حضاران بیان می‌شد. آن‌روزها ادبیات کودک جایگاه تثبیت شده‌ای نداشت و این اتفاق عادی بود.

اینکه بعدها چه عواملی این شب‌نشینی‌ها و دور هم بودن‌ها را کم و

هنر قصه‌گویی

شاید شما هم تاکنون بارها به این سؤال‌ها فکر کرده باشید که قصه‌ها از کجا می‌آیند، اولین قصه دنیا را چه کسی گفته یا نوشته است، آیا همه آدم‌ها می‌توانند قصه‌گو باشند و قصه‌گو با قصه‌نویس چه فرقی دارد.

همه این‌ها سؤال‌های مهمی هستند و جواب‌های علمی و غیرعلمی زیادی دارند اما دنیای قصه و قصه‌گویی، آن هم برای خردسالان و کودکان آن قدر گسترده است که اگر کمی بیشتر به آن بیندیشیم، از این دست سؤال‌ها در آن فراوان می‌توان یافت.

قدیم‌ترها پیوند مردم با جهان قصه بسیار عمیق‌تر بود. قصه بهانه‌ای برای دور هم نشستن و دور هم نشستن بهانه‌ای برای قصه شنیدن بود. وقتی شب با سکوت خود به شهرها و آبادی‌های کوچک قدم می‌گذاشت، آدم‌ها دور هم جمع می‌شدند و همه دنیایشان می‌شد گل گفتن و گل شنیدن، و درست در همین لحظه‌ها بود که انتظار سر رسیدن قصه‌های تازه و قدیمی توی دلشان بیدار می‌شد.

یکی بود یکی نبود؛ یک نفر بود که تنها نبود و خدا را داشت و قصه آغاز می‌شد. قصه‌ها خیلی وقت‌ها تکراری بودند اما هر بار با هنرمندی و خلاقیت قصه‌گو طوری احیا می‌شدند که همه شنونده‌ها را مجذوب و مسحور می‌کردند.

خیلی وقت‌ها تغییر جزئی جهان قصه را



و بیان ماجراها از روی تصاویر مجزا یا دنباله‌دار و گفت‌وگو درباره‌ی خاطرات و تجربه‌ها توصیه می‌شود تا نوآموز گام‌های بعدی را نیز با ورود به دنیای کلمات و آموختن سواد نوشتاری بردارد.

آگاه کردن کودکان با استفاده از قابلیت شعر

شعر و قصه دو کفه‌ی یک ترازو هستند. آشنا کردن کودکان با قصه‌های منظوم با استفاده از قابلیت‌های شعری، آن‌ها را به فضای قصه نیز علاقه‌مند می‌کند. در این میان، صحبت درباره‌ی شعر گسترده‌تر است و جایگاهی جداگانه را می‌طلبد.

پایان سخن اینکه امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد بسیاری در سراسر جهان فعالیت قصه‌گویی را به‌طور جدی پیگیری می‌کنند. آن‌ها به دنبال کشف راه‌های خلاقانه‌تری هستند تا شنوندگان بیشتری را به جهان قصه‌هایشان میهمان کنند. حرکت‌هایی که به‌صورت پراکنده در کشور ما صورت می‌گیرد شاید به‌قدری نباشد که بتوانیم در این مسیر سرعت لازم را کسب کنیم.

اما... همه چیز در دست مری است. یک مری قصه‌گوی خوب با استفاده از زبان و کلمات، احساس و انتقال آن، به کارگیری زبان بدن، شناخت صحیح مخاطب و دغدغه‌ها و نیازهایش و انتخاب قصه‌های قدرتمند، به تنهایی می‌تواند انقلابی کوچک به پا کند. این‌ها همه در دست شماست؛ شما که مری هستید.

کنجاو کردن کودکان

کودکان شنوندگان خوبی برای قصه‌های ما هستند اما نباید فراموش کنیم که خود آن‌ها هم قصه‌پردازان بسیار خوبی هستند. آن‌ها که یک قوطی کبریت را کامیونی بزرگ می‌بینند و عروسک‌های پلاستیکی‌شان را مثل مادری مهربان در آغوش می‌گیرند، با یک سرخ و دریافت ایده‌ای کوچک می‌توانند به بلندترین قله‌های تخیل صعود کنند. پس خوب است که گاهی از این توان ارزشمند بهره ببریم و مسیر قصه‌گویی را به جاده‌ای دوسویه تبدیل کنیم. در کنار ارتباط‌گیری خوب و مؤثر با مخاطب، گاهی استفاده از تکنیک‌هایی مثل قصه‌های نیمه‌تمام نیز می‌تواند سودمند باشد و به کشف استعداد مخاطبانمان بینجامد. این امکان به کودک فرصت می‌دهد که بسازد و بیافریند و کشف کند. این شاید نقطه‌ی شروع یک حرکت در مسیر آینده‌ی او باشد؛ آینده‌ای که مری آن را رقم می‌زند.

بسیاری از نویسندگان امروز نخستین قصه‌هایشان را در دوران خردسالی ساخته و پرداخته‌اند. پس توجه به این استعداد خدادادی نیز می‌تواند آینده‌ی ادبیات کشور را به ظهور چهره‌های تازه امیدوار کند. چنین کودکانی می‌توانند در فضایی آرام و با کمک مری به فعالیت‌های ویژه در این بخش ترغیب شوند و نخستین گام‌های نوشتن خلاق را بردارند.

در ابتدای راه، پرورش حواس پنج‌گانه

نهادهای مختلف برگزار می‌شود و هر ساله تعداد زیادی از علاقه‌مندان این هنر را به خود جذب می‌کند. جشنواره‌های کشوری قصه‌گویی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جشنواره‌ی مادران قصه‌گوی سازمان فرهنگی هنری شهرداری از این دسته‌اند.

با این همه، هنوز راه زیادی در پیش داریم تا روزی که با خیال آسوده ادعا کنیم که ذهن هیچ کودکی در کشور از جهان قصه‌ها دور نیست و بزرگسالان هم می‌توانند بار بسیاری از تلخی‌ها و سختی‌ها را در دنیای قصه بر زمین بگذارند.

نقش مریبان در این زمینه بسیار تأثیرگذار است. آن‌ها می‌توانند با بیان قصه‌هایی شاد و خلاقانه و تفکربرانگیز شیرین‌ترین لحظه‌ها را برای بچه‌ها خلق کنند. آن‌ها می‌توانند مخاطبان‌شان را به جهان تخیل ببرند و تجربه‌های تازه‌ای را به همراهشان کشف کنند و آنگاه، جهان واقعی را با شیوه‌ای هنرمندانه نشان‌شان بدهند.

این وظیفه‌ی مری است که ادامه دهند راه هنرمندان قصه‌گو باشد تا ادبیات ما همچنان در ذهن و قلب و باور و قلم آیندگان زنده بماند. شاید همه ما ندانیم که قصه‌ها از کجا آغاز شده‌اند اما بی‌شک این همان جایی است که قصه‌ها به سویش می‌روند.
